

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۴ اپریل ۲۰۲۱

عبدالله "چشم اسفندیار" * حاکمیت!

سه شنبه- ۲۴ حمل ۱۴۰۰ - کابل: به دنبال تجاوز خونبار امپریالیسم امریکا و ایجاد اداره دست نشانده توسط چند تن از جواسیس آشکارش و چیلک اندازی ها و کار شکنی های "عبدالله عبدالمود" و شرکاء در کار آن اداره، تصور همگانی من جمله این قلم این بود، که "عبدالمود" آن کار ها را بر مبنای تعلقاتش به جمعیت اسلامی و شورای نظار و به دستور بادرانش در آن زمان یعنی کشورهای روسیه، ایران و هند انجام می دهد. امروز زمان و دقت در عملکرد "عبدالمود" نشان داد که تصور زیاد دقیق نبوده، بلکه عکس آن "عبدالمود" به مثابه مهره و ویژه اشغالگران امریکائی، جهت تابع نگه داشتن نوکران برگزیده شان و ممانعت آنها از یکه تازی، به این بازی خاینانه ادامه می دهد. یعنی:

امپریالیسم امریکا بر مبنای تجاری که با نوکران زرخریدش در جنوب شرق به خصوص ویتنام و گاهی با رهبران فلیپین و اندونیزیا و بر خی از کشور های عربی و امریکای لاتین داشته است، به این نکته متوجه شده که گذشت زمان و تکیه بر اورنگ فرمانروائی زدن، همان طوری که گفته اند "هستی مادی انسان تعیین کننده شعور آنهاست" بر مبنای آن در ذهنیت و طرز تفکر گماشتگان، مزدوران و نوکرانش نیز تغییر ایجاد نموده، بعد از مدتی اطاعت برده وار، به مرور زمان شروع می کنند به نافرمانی و حتا مقابله با ستراتیژی کلی امپریالیسم.

برای جلو گیری از عواقب چنین نافرمانی هائی اگر گاهی ضرورت افتاده تا با برخوردهائی از نوع برخورد با "نوروپگا" و تعویض مزدور، خود را بدنام بسازد، بیشتر تلاش نموده تا با دامن زدن به رقابت های درونی، نوکر بر سر قدرت شان را از بدیل منتظر قدرت هراسان و محتاط ساخته همیشه آنها را در کنترل خود داشته باشد.

تا جائی که دیده می شود در افغانستان این نقش به "عبدالمود" و شرکایش "فهم" و "قانونی" سپرده شده بود که با مرگ "فهم" اینک "عطا" جایگاهش را در اختیار داشته، و امپریالیسم هر زمانی که نیاز داشته و یا در آینده نیاز بدان احساس نماید هم در زمان "کرزی" و هم در زمان "غنی احمدزی" با استفاده از این افراد، "کرزی" و "غنی احمدزی" را وادار به پیروی از تمام امیال و خواستههایش نموده است.

به عبارت دیگر امپریالیسم امریکا از موجودیت و آمادگی بالقوه "عبدالمود" و شرکایش در پیشی جستن از "غنی احمدزی" در خیانت و وطنفروشی، به مثابه نقطه ضعف و یا همان "چشم اسفندیار" حاکمیت استفاده نموده، می داند که چگونه با فشار وارد کردن بر همان محل، بر گردن فرازی های "کرزی" و "غنی احمدزی" نقطه پایان بگذارد.

مثال زنده و تطبیقی این امر، رها کردن زندانیان طالب بود از جانب "غنی احمدزی" می باشد. تا جایی که گفته می شود گویا "خلیلزاد" به نمایندگی از امپریالیسم امریکا به "غنی احمدزی" گفته بود که هرگاه وی به رهائی ۵۰۰۰ زندانی طالب، موافقه نکنند آنها نتایج انتخابات را به نفع "عبدالمود" اعلام و زندانیان را وی رها خواهد نمود. "غنی احمدزی" هم که منافع فردی اش را بر منافع ملی و امنیت مردم همیشه ترجیح داده و باز هم خواهد داد، دیده شد که زیر فشار امریکا کمرش خم شده، در ازای شرکت "خلیلزاد" و سفارت امریکا در مراسم سوگندش، بیش از ۶۰۰۰ زندانی جنایتکار و دهشت افکن طالب را از بند رها نمود.

تا جایی که دیده می شود، اینک همان بازی باز هم در حال تکرار است، "خلیلزاد" با در دست داشتن آمادگی بالقوه "عبدالمود"، تلاش می ورزد "غنی احمدزی" را به کرنش و سازش بیشتر وادار بسازد، می خواهد رهائی ۷۰۰۰ زندانی طالب باشد و یا شروط دیگر، نقطه آسیب پذیری حاکمیت تشخیص شده است. هموطنان گرامی!

این که تمام حاکمیت در کل خاین و وطنفروش است، واقعیتی است مسلم که هیچ جایی شکی در آن وجود ندارد؛ در عین زمان این نکته را نیز می باید بدانیم که در مقطع کنونی "عبدالله عبدالمود" سرخیل خاینان و چشم اسفندیار حاکمیت می باشد.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!

*** - چشم اسفندیار:**

در مطالعات گذشته های دور و دوره های اساطیری، به موازات آن که در یونان باستان "آشیل" قهرمانی روئین تن که به جز "پاشنه پای" و یا همان کمری پایش بقیه تمام بدنش آسیب ناپذیر بود و تنها نقطه ضعف و آسیب پذیری اش همان "پاشنه پای"ش بود و از همین رو اصطلاح "پاشنه آشیل" خود را شامل ادبیات عمومی نموده تذکر آن به معنای یگانه و یا مهمترین نقطه ضعف طرف به شمار می رود، در گستره و حوزه فرهنگی زبان فارسی - دری "چشم اسفندیار" عین حکم را دارا می باشد.

ع. ق.